

هنر خط و خوشنویسی اسلامی

درمیان هنرهای اسلامی خوشنویسی نزدیکترین این پیوند را با قرآن دارد و علت و سرچشمه پیدایش این هنر نیز قرآن بوده است هنر خوشنویسی در جهان اسلام تا آنجا پیش رفت که تنوع و گوناگونی شاخه های آن از انواع خطهای رایج گرفته تا نقاشی خط هر یک مهارت و استادی خاص خود را می طلبد توجه به هنر خطاطی از کوفه آغاز شد و پس از آن در شام گرفته شد در قرن دوم هجری درخشید و در قرن سوم هجری از هنرهای پرطرفدار شد

خوشنویسی در هنر اسلامی اصولاً دو نقش اساسی ولی نه چندان متمایز از هم ایفا می کند

۱- از یک طرف در خدمت نگارش قرآن کریم- کتب ادبی- ادعیه و سایر کتب های علمی و فلسفی است
۲- به عنوان تکمیل کننده زیبایی صوری و معنوی در تزیینات روکار ساختمان ها- کاشی کاری های مساجد- حسینیه ها- مدارس- آرامگاه ها به کار گرفته می شود در میان انواع خطوط به دلیل ساختار هندسی خط کوفی و بنایی بیش از سایر خطوط در زیبایی مساجد و بناها کاربرد داشته اند عرب ها در قرن اول پس از اسلام این خط (سطر نجیلی) را از سریانی (در دوران گذشته زبان علم بود بسیاری از آثار علمی یونانی و پهلوی و عبری به این زمان برگردانده شده است خط سریانی از فرزندان خط آدمی به شما می آید) اقتباس کردند و یکی از مسائل پیشرفت آنان همین خط بوده است بعدها خط کوفی از همان خط پدید آمد

خط کوفی از سریانی پدید آمده است و به خط کتابت اولیه قرآن مشهور است

می توان گفت خط عربی نیز به واسطه خط نبطی از خط آرامی به وجود آمده است

ترتیب الفبای هجایی در دوره عبدالملک مروان به دست نصر بن عاصم و یحیی بن یعمر به وجود آمد و اساس این ترتیب شباهت شکلی قروه بود در حالیکه مولفان معجم های اولیه حروف را بر اساس مخارج حلقی و دهانی مرتب کرده بودند

خط سریانی و نبطی بعد از فتوحات اسلام نیز در میان اعراب باقی ماند خط کوفی در کوفه و حیره سریانی و خط نسخ در مکه و مدینه از خط نبطی اقتباس شده اند خط عربی پس از ظهور اسلام دگرگون شد و به اتقان و زیبایی رسید

خط کوفی به مدت ۵۰۰ سال برای کتیبه نویسی و کتابت قرآن استعمال می شد قدیمی ترین نسخه باقی

مانده از قرآن مربوط به قرن دوم هجری است که در موزه قاهره نگهداری می شود

مراحل پیشرفت این خط در مکه و مدینه طی شد و خط کوفی پدید آمد و مسلمانان با اهتمام آن را توسعه بخشیدند تا خط به ۷ نوع خود یعنی ثلث- نسخ- رفاع- دیوانی- فارسی- اجازه (توقیع) و کوفی را پدید آورند

در زمان مامون نویسندگی اهمیت پیدا کرد و نویسندگان در نیکو ساختن خط به مسابقه پرداختند و چندین قلم دیگر به نام قلم مرصع- قلم رقاع- قلم غبارالحلیه- قلم ریاسی پدید آمد در نتیجه خط کوفی به ۲۰ شکل درآمد یکی از خوشنویسان زمان او ریحانی که شیوه ای را در خط پدید آورد که با نام خود یعنی ریحان معروف است

ویژگی های قرآن های اولیه حجاز شکل های بی قاعده حروف- خط ناموزون متن- تذهیب نامرتب- بی قیدی کلی به تاثیرات بصری -ورق های افقی با پوست بز- در هر صفحه غالباً چهار سطر جای داشت- قرآن ها به طرز حیرت آوری گران تمام می شد- گاه قرآن ها در ۳۰ تا ۶۰ جلد نوشته میشد- فضا سازی خط را با حروفی کاملاً نقش پردازای شده طوری ترتیب می دادند که شناسایی خود مطلب را کند می کرد در اوایل دولت عباسی ۱۲ قلم به شرح زیر معمول بود:

قلم جلیل- قلم سجلات- قلم دیباج- قلم اسطور مار کبیر- ثلاثین- قلم زنبد- قلم مفتح- قلم حرم- قلم مد مرآت- قلم عمود- قلم قصص- قلم حرفا.

یکی از بنیانگذاران اصول هنر خوشنویسی احوال المحرر در دوره عباسیان است که خود چند نوع خط را ابداع کرد

در قرن ۵ هجری خط کوفی رو به افول نهاد و خط نسخ جای آن را گرفت ت به این صورت که عناوین سوره ها به خط کوفی نوشته می شد خط نسخ در قرن ۶ هجری یعنی در اواخر دوره فاطمی به غایت کمال رسید اما خط نسخ به همان شکل سابق در میان مردم و برای تحریرات غیررسمی معمول بود تا آن که در قرن ۴ هجری ابن مقله خطاط مشهور با نبوغ خود خط نسخ را به نیکویی درآورد و آن را جزء خطوط رسمی دولتی قرار داد و خطی که امروز معمول است همان خط اصلی ابن مقله میباشد

اقلام سته (اقلام ششگانه خط) شامل ثلث- نسخ- محقق- توفیق- رقاع و ریحان را وضع نمود این اقلام به خطوط اصول نیز مشهورند برخی می گویند ابن مقله خط نسخ را از خط کوفی استخراج کرده است است ولی در واقع آن است که خط کوفی و نبطی هر دو از اوایل اسلام معمول بوده و چنان که گفته شد کوفی را برای کتاب قرآن و امثال آن را به کار می بردند و نبطی در مکاتب رسمی استعمال می شد. با اصلاحاتی که ابن مقله در خط نسخ نمود آن را برای نوشتن قرآن شایسته و مناسب ساخت یکی از خطاطان عراقی در اواخر قرن ۵۴ هجری ابوالحسن علی بن بواب است او بنیانگذار خط معروف به محقق است.

در قرن ۷ یاقوت مستعصمی در مورد اقلام خط ابتکاراتی به خرج داد و مخصوصاً ثلث را به زیباترین شکل درآورد در واقع این خطوط توسط وی ظهور کرد و به طور کلی دو خط نسخ و کوفی در کتابت عربی معمول گشت این دو خط ریشه تمام خط های اسلامی هستند خط محقق کوفی استخراج شد و نزدیک ترین خط به کوفی است. محقق را پدر خطوط وثلث را مادر خطوط می نامند

در مصر در دوران ممالیک نسخ بسیار عالی قرآن با خطوط مدور با دقت و تزیینات بسیار عالی به خط طوماری که خطی پیچیده تر از خط نسخ است نوشته می‌شد

در نسخ قرآن در اسپانیا و شمال آفریقا نوع مشخصی از برای نسخ به کار رفت که به خط مغربی معروف شد که گاهی آن را اندلسی یا قرطبی نیز می‌نامند این خط دارای حروف دایره ای شکل است قرآن هایی نیز در قرن ۸ و ۹ هجری در غرناطه و فاس به خط مغربی نوشته می‌شدند که گرچه در کتابت آنها توجه نشده ولی تزیینات آنها و رنگارنگ و عالی است

در دوران اسلامی به سبب اهمیت خط خطاطان بسیاری به وجود آمدند در کتاب ها و رساله هایی درباره خط و خطاطی پرداختند در اوایل اسلام نیز در کنار خط کوفی و نسخ عربی گونه ای از خط نسخ برای نوشتن آثار زبان خوارزمی که یکی از زبانهای ایرانی شرقی به کار رفته است خط فارسی

ایرانیان نیز در سده های نخستین پس از اسلام خط و تذهیب را از اعراب اقتباس کردند و با افزودن حروف فارسی به الفبای عربی خط فارسی را بر مبنای نسخ پایه گذاری کردند و سپس خط نستعلیق و خط شکسته و دیگر خطوط ایرانی ابداع شد

خطاطان ایرانی در ابتدا خطی از خط کوفی مشتق کردند که در آن ها مدها واضح تر از جرها است یعنی قسمت عمودی حروف از قسمتهای افقی روشن تر و واضح تر است. از این خط نیز خطی دیگر را استخراج کردند که حروف آن زاویه دار تر نوشته می‌شد اگرچه برخی معتقدند که خط کوفی که بنیان خط عربی را می‌سازد برگرفته و آموخته دبیران عربی که در مراکز دیوان ای شاهان ساسانی در شهرهای انبار و حیره مشغول به کار بوده‌اند

درباره تاریخ خط فارسی در تذکره (مرآت الخیال) آمده است انواع خطوط فارسی ثلث- ریحان- توقیع- محقق- و رقاع است و خط هفتم تعلیق که از رقاع و توقیع آمده است

در قرآن های سلجوقی در قرن پنج و شش هجری خط کوفی ایرانی حداکثر رشد و ترقی را نمود و تذهیب ها در کنار این خط غنی تر شدند یکی از خطاطان و مذهبیان برجسته قرآن ابوالقاسم بن ابراهیم بوده در دوره سلجوقی عنوان سوره ها با طلا و رنگ های متعدد نوشته می‌شد و گاهی برخی آیات جهت تزیین با خط کوفی نوشته می‌شدند

در زمان ایلخانیان صنعت خط و تذهیب به اوج کمال و ترفی خود رسید در قرن هفتم هجری نوعی خط معروف به تعلیق در در ایران رایج شد که در آن حروف از راست به چپ تمایل به پایین دارند با این حال هنوز از خط نسخ برای کتابت متون استفاده می‌شد هنر جلد سازی و صحافی در کتاب آرایی اسلامی

ارزش گذاری معنوی بر یک کتاب پس از خطاطی و تذهیب و نقاشی با صحافی و جلد کردن آن کامل می شود یکی از مشهورترین بستر های هنر ایرانی که در آن در قالب های تجربی و تجربیدی تعبیر و مفاهیم مختلف عشق را به تصویر کشیده شده هنر جلد سازی است

ایرانیان به آرایش کتاب دلبستگی فراوان داشته اند ولی از آنجا که پوست و کاغذ که نقش بر روی آنها پدید می شود از اجناسی که در برابر رویدادها پایداری کمتری دارند نمونه های باستانی این هنر بسیار کمیاب است

جلد کتاب در عین اینکه حافظ اوراق کتاب بود با منقوش ساختن آن ارزش گذاری بر کتاب بیشتر جلوه می کرده است هنر کتاب سازی نسخه های خطی با صحافی و جلد سازی تکمیل می شد زیرا حافظ اوراق کتاب از آسیب های احتمالی است

هنر جلد سازی از هنرهایی است که در ایران پیشینه ای دیرینه دارد وجود نقش های متعدد با مضمون های مختلف بر جلدهای ایرانی و فراوانی و تنوع آن ها و ظرائفی که در صورت و معنای آن ها به چشم می خورد جلد ایرانی را جزئی از شاهکارهای هنری قرار داده است در ایران باستان برای حفظ اوراق پوستی و یاتوز و یا دیبه از محفظه هایی استفاده می شده است.

این محفظه ها از آهن و یا مفرغ بود و بعدها آن را از زر و سیم هم ساخته اند و روی این محفظه ها بنا به اهمیت کتاب با گوهر آراسته می شد بعدها با پیشرفت کار دباغی پوست توانستند پارشمن بسازند. در دباغی پوست پیشرفت تا بدانجا حاصل شد که از پوست بز و بز کوهی کاغذهایی به مراتب لطیف تر از کاغذ های امروزی تهیه می کردند. سپس اوراق را شیرازه می بستند پس از رواج شیرازه و تدوین اوراق کتاب به صورت کنونی در آمد و در این زمان است که برای حفاظت اوراق مدون به هر یک از کتاب ها محفظه هایی از چرم و چوب و فلز اختصاص یافت و چون این محفظه هایی چوبی و فلزی در معرض تباهی بودند محفظه هایی چرمی رواج یافت که هم از نظر وزن سبک و هم مقاومت آن بیشتر و ساختن آن نیز آسان تر است مانی نقاش چیره دست ایرانی کتاب های خود را با شکل ها و نقش های زیبا تزیین می کرد تا بهتر بتواند پیام های خود را به مردم عصر خویش انتقال دهند اوراق مزین به نقاشی که در تورفان چین به دست آمده است کارشناسان و متخصصان فن آنها را به مکتب نقاشی مانی نسبت میدهند موبد این مطلب است که سنت نقاشی مانویان احتمالاً دنباله همان شیوه هایی است که مانی در بین پیروان خویش رواج داده و بر حسب روایات کتاب مصور ای به نام ارژنگ یا ارتنگ معجزه دینی به شمار می رفته است .

مسلمانان جلدسازی را از قرون اولیه هجری می دانستند و آن را به صورت ساده و ابتدایی می ساختند قدیمی ترین روش صحافی اسلامی پوشش های چرمی بود تزئینات گیاهی و هندسی داشت و یک زبانه مثلثی شکل با نام سر طبل جهت محافظت از لبه اوراق و همچنین تدوین بیشتر کتاب به انتهای آن وصل می کردند. در ایران اسلامی بی گمان فن جلد سازی پا به پای دیگر زمینه های کتاب پردازی و نسخه آرایی

پیشرفته است به طوری که ابن ندیم می گوید جلد‌های کتاب در ابتدا چرم هایی که با آهک دباغی می شد تهیه می شد و در نتیجه این پوست ها خشک بود سپس در کوفه پوستهایی با خرما در باقی می شد که موجب نرمی و ملایمی جلد‌ها میشد.

تاریخ صحافی در فرهنگ ایرانی و اسلامی در مقوله هنر و پیشه وراقی می گنجد و جزئی از آن به حساب می آید وراق به کسی اطلاق می شود می ساخت و یا ورق کاغذ را به اندازه های گوناگون می برید. این لغت گاه به معنای کاتب و گُراسه نویس و مُجلد نیز به کار رفته است.

ایرج افشارمی نویسنده و وراق معمولاً به کسی گفته می شود که نسخه ها را کتابت و تزیین و تجلید و وصالی می کرد و خود آن را می فروخت وراقان اغلب دکانی داشتند که محل تجمع اهل فضل و ادب بود. صحاف در ادوار پیشین تنها به تجلید کتاب نمی پرداخته بلکه با این نام و یا به عنوان وراق به استنساخ مقابله و تصحیح نسخ نیز اهتمام می کرده است.

در طرح کتاب‌ها که از سنت قبلی نشات می گرفت معمولاً محور افقی کتاب بلندتر از محور عمودی آن بود و جلد‌ها به روش ضربی و بدون پوشش طلا تزیین می شد در قرن پنجم و ششم هجری جلد با طلا و یا با نقاشی تزیین می شد طی این مدت محور عمودی کتاب بلندتر شد.

قدیمی ترین جلد‌های مربوط به جوامع اسلامی که تاکنون به دست آمده متاثر از طرح‌ها و روش‌های قبلی بوده است. مسلمانان هنر چرم کاری قبلی طلاکوبی را به سیسیل و اسپانیا بردند قدیمی ترین جلد‌های ایرانی در واقع مربوط به اواخر قرن ۷ و اوایل قرن ۸ هجری است.

قرن ۸ و ۹ هجری را می توان عصر طلایی هنر صحافی و جلدسازی در ایران به شمار آورد. کارهای این دوره بیش تر بر پوست بز به رنگ های قهوه ای و قرمز انجام شده است و نهایت مهارت در طلاکوبی و تزیین چرم را نشان می دهد. با این حال جلد روغنی یا لاکی از جلد‌های متداول در عصر تیموری بوده. در دوره های متاخر از جمله در عهد تیموریان و صفویان نیز صحافان علاوه بر تسلط به فن تجلید به دیگر هنرهای عصر خود چون افشانگری، ابری سازی، نقاشی، مقواسازی، تذهیب و خوشنویسی آگاه بودند و بعضاً" پاره ای از فنون ادبی روزگارشان را هم می دانسته و از زمره اهل فضل و دانش بودند.

هنر جلدسازی در قرن نهم هجری به وسیله ی جلدسازان و صحافان مکتب هنری هرات به اوج خود رسید و به صورت یک هنر ایرانی درآمد.

در این دوره صحافان کتاب خانه ها بهترین و زیباترین کتاب ها را با خط بسیار زیبا و با مذهب کاری و نقاشی و جلد‌های قیمتی به وجود آوردند و این نتیجه جنبش هنری بود. در عهد شاهرخ تیموری هنر جلدسازی در خطه خراسان به ویژه هرات به اوج کمال رسید. جلد‌های ایرانی این دوره بر نظایر خود در اروپای قرون وسطی برتری دارند. در اواخر قرن ۹ هجری قمری نقاشی با استفاده از لاک که احتمالاً" در زمان

تیمور یا جانشینان وی از چین به ایران آمده بود در جلدسازی به کار گرفته شد. در عهد صفویه ظریف کاری دوران تیموریان منسوخ شد. در دوران پادشاهی فتحعلی شاه قاجار جلدسازی تحت الشعاع صحافی اروپایی قرار گرفت.

در دوره صفویه جلد کتاب با اشتیاق بیش تری تزیین می شد و طلا کاری آن نسبت به قرن ۹ هجری بیش تر بود و بعضی از طرح های تزیینی کلیه سطح جلد را می پوشانید. از قرن ۱۱ هجری به بعد ترکیب طرح ها ظرافت خود را از دست داد و خطوط خشن تر شد. در دوره ی سلجوقیان هنر تجلید به همراه تذهیب (طلا کاری) با نقش های هندسی و تحریری رونق یافت.

روی کتاب که پیش از دوره ی سلجوقیان پوششی از چرم داشت از کاغذ و مقوا نیز برای ساختن جلد استفاده شد. در عهد تیموری هنر صحافی و جلد سازی به کمال رسید و جلد کتاب و تزیینات داخل آن با عالی ترین شکل ممکن انجام گرفت.

آنچه در جلدهای دوره ی قاجار قابل بررسی و مهم است این که خصوصیات و روش های تجلید و تزیین جلدها فرصت و عرصه مناسبی برای درهم آمیختن هنرهای متنوعی در کنار یکدیگر و در یک فن و هنر به نام جلد ایرانی است.

در دوران ناصرالدین شاه قاجار صحافی به روش روغنی (لاکی) ترقی بسیار کرد و استادان زبردستی در شهرهای تهران - شیراز - اصفهان و دیگر شهر ها آثار و شاهکارهایی برجای گذاشتند.

تنوع جلد در دوره ی اسلامی بسیار زیاد است در زیر به معرفی مختصر هر یک می پردازیم

- جلد ضربی (کوبیده یا منگنه): برای ساخت جلد ضربی ابتدا روی زمینه چرم می کشند سپس با فلز منقوش روی چرم حالت نقش برجسته بگیرد. عمده طرح های مورد استفاده بر روی این نوع جلد ترنج و سرترنج هایی به همراه چهار لچک منقش به نقوش ختایی بود. (تمام جلدهایی که از چرم ساخته می شدند برای محافظت با لاک پوشیده می شدند. این جلد ها به لاکی مشهور می شوند و فنی کاملاً" جدا از شیوه جلدهای روغنی است که بستری مقوایی دارند).
- جلد سوخت: بعد از کشیدن چرم روی زمینه فلزی که حاوی نقش دلخواه است داغ می کنند و با فشار بر چرم جلد نقش برجسته به دست می آید. در این حالت به خاطر داغی ابزار مورد استفاده چرم دو رنگ می شود و حالت سایه روشن به خود می گیرد.
- جلد موجی: در این نوع جلد ترکیبی از قلع و سریشم را روی زمینه زده و بعد از خشک شدن روی آن را با سنگ صیقلی براق می کنند.

- جلد زرکوب: بعد از کشیدن چرم روی زمینه طرح یا نوشته مورد نظر را کلیشه کرده و به وسیله آن طرح را با به کار بردن ورقه های طلا روی جلد پرس می کنند.
- جلد معرق: نقوش مورد نظر از چرم با رنگ های مختلف جدا شده سپس در کنار یکدیگر چسبانده می شوند. ساخت جلد معرق با این که می توان گفت از شاهکارهای عرصه هنرهای چرمی است اما به دلیل دشواری کار مدت کوتاهی در زمان تیموری و صفوی رواج داشته است.
- جلد پارچه ای (ترمه ای): در دوره ی قاجار با پارچه های ترمه یا با پارچه های سرمه دوزی یا قلم کاری و یا زری دوزی می ساختند و بیشتر کتب ادعیه و بیاض های ادبی را در مورد قاجار با این گونه جلد صحافی می کردند.
- جلد کاغذی: که در عصر قاجار رواج یافت از کاغذ های ابری فرنگی ساز و حتی کاغذهای قوطی سیگار برای ساختن آن استفاده می شد.
- جلد سوزنی: برای جلد سوزن دوزی شده از چرم هایی با جنس نرم و لطیف استفاده می شود. ابتدا طرح مورد نظر نقوش را بر روی کاغذ طراحی کرده سپس با سوزن سوراخ می کنند کاغذ سوراخ کاری شده بر روی چرم قرار داده شده و بر روی کاغذ گل گیوه قرار می دهند با این روش منقوش مشبک از روی کاغذ مشبک به چرم منتقل می شود سپس با استفاده از نخ های ابریشمی با رنگ های مختلف نقوش ایجاد شده بر روی چرم سوزن دوزی می شود به طوری که سوزن چرم را سوراخ نکرده و از زیر آن خارج نمی شود.
- جلد بلغاری: چون این جلد ضخیم است نیازی به استفاده از مقوا و یا چوب در داخل آن نیست.
- جلد تیماج: از پوست بز دباغی شده ساخته شده است.
- جلد میشین: این جلد از پوست گوسفند دباغی شده ساخته شده است.
- جلد شبرو: برای ساخت آن از پوست نازک دباغی شده گوساله استفاده می شود.
- جلد روغنی: اوج توانایی هنرمند در ساخت جلدهای منقوش است. میتوان این جلد را آخرین پاسدار هنر جلدسازی سنتی در ایران دانست. زیبایی، نفاست و تنوع جلدهای روغنی قاجار به گونه ای است که قابلیت خای هنرمندان صحاف و جلدساز ایرانی را به شایستگی می نمایند. گوناگونی فنون تجلید، ظرافت و دقت در اجرا، انتخاب یا خلق و به کارگیری نقش ها و نگاره های اصیل و ریشه دار (نظیر ترنج و سرترنج، حاشیه، اسلیمی، و ختایی، شکارگاه، گل و برگ، گل و مرغ و کتیبه هایی با خطوط ثلث ممتاز و ...) قلم گیری های هنرمندانه و اغلب استفاده از طلا در آنها به کارگیری مواد و مصالح مرغوب و نیز استفاده از دیگر هنرهای سنتی و دستی در برخی جلدها، از جمله ویژگی های قابل وصف جلدهای روغنی عصر قاجار است.

صحافی به طور کلی سه مرحله دارد

۱- ترکیب بندی: ترکیب بندی عبارت است از یک جا و کنار هم گذاشتن صفحات کتاب به ترتیب شماره صفحه این مرحله از چهار عمل تشکیل می شود.

-تا کردن: در این عمل که با دست یا ماشین انجام می گیرد اوراق بزرگ چاپی که چند صفحه بر پشت و روی آن چاپ شده است طوری تا می شوند که صفحات پشت سر هم قرار گیرند ورق تا خورده را یک فرم چاپی می نامند و معمولاً "مضربی از چهار است."

-لَت گذاشتن: منظور از آن، گذاشتن بعضی صفحات رنگی مخصوص، نقشه یا تصاویر خارج از متن، بین صفحات یک فرم است. این کار با دست انجام میگیرد.

-مرتب کردن: در صحافی کنار هم گذاشتن فرم های متعدد یک کتاب را به گونه ای که صفحات کتاب به دنبال هم قرار گیرند، مرتب کردن می گویند. این عمل، در صحافی ماشینی به وسیله ی ماشین های ترتیب انجام می گیرد.

-دوختن: پس از مرتب کردن فرم ها، ته فرم های هر جلد باید به یک دیگر دوخته شود. این کار به دو روش ته دوزی و کناره دوزی انجام میگیرد. البته کتاب هاب ارزان قیمت را اساساً "ته دوزی نمی کنند، بلکه بسیاری از آن ها را به کمک ماشین مخصوص، به طریقه ته چسب، صحافی می کنند. بعضی اوقات نیز فرم های یک کتاب را فقط با کوک فلزی می دوزند و با چسب به جلد می چسبانند.

۲- شکل بندی: در شکل بندی کتاب نیز چهار عمل صورت می گیرد:

-کوبیدن: دوختن فرم های کتاب باعث می شود در مرحل عطف تورم پیدا شود. برای از بین بردن این تورم فرم ها را تحت فشار قرار می دهند.

-چسب زدن: برای جلوگیری از شل شدن کوک ها در روش ته دوخت، لایه ای از چسب مخصوص بر سطح عطف کتاب می کشند.

-لب بریدن: لبه های ناهموار فرم های کتاب را پس از دوختن و کوبیدن با ماشین برش می برند تا تمامی نسه های کتاب قطع یکسان پیدا کنند.

-گرد سازی، پشت کوبی و آستر بندی: در این مرحله ابتدا سطح عطف کتاب محدب می شود، سپس یک تکه پارچه با سریشم به سطح عطف کتاب چسبانده می شوند که آن را آستر می نامند. در صحافی

دستی شیرازه ها را به عطف می دوزند، ولی در صحافی ماشینی شیرازه ها را تنها برای تزئین به دو سر عطف می چسبانند.

۳- جلد بندی کف شامل سه مرحله است:

- جلد سازی: معمولاً جلد کتاب ها از مقوا و پارچه یا از کاغذ ضخیم ساخته می شود. برای این کار ، ابتدا ورقه های بزرگ مقوا را به وسیله ماشین برش در اندازه ی مطلوب بریده ، سپس روی پارچه یا کاغذ ضخیمی که سطح درونی آن چسب خورده، چسبانده می شوند و در عین حال باریکه هایی از کاغذ ضخیم نیز به صورت عطف در فاصله میان هر دو قطعه مقوا بر پارچه زیرین می چسبند سپس لبه های اضافی پارچه به طرف توی جلد برگردانده و بر سطح داخلی ، دو قطعه مقوا می چسبانند .

- چاپ جلد: درج عنوان، نام نویسنده و دیگر اطلاعات کتاب شناختی و بعضی تزئینات روی جلد و عطف کتاب را چاپ جلد می نامند. این کار با چاپ به روش عادی و یا به روش طلا کوبی صورت می گیرد. در روش اخیر از حروف مخصوص و یا کلیشه و ورقه های نازک طلایی یا رنگی استفاده می شود.

- جلد گذاری: در این مرحله به سطح دو آستر بدرقه کتاب و پارچه مشبک عطف کتاب چسب می زنند و فرم های به هم متصل شده را داخل می گذارند و با وارد کردن فشار ، عطف فرم ها را به عطف جلد و آستر بدرقه ها به سطح داخلی جلد می چسبانند. سپس کتاب ها را چند ساعت زیر پرس می گذارند تا خشک شوند.

تذهیب و کتاب آرایبی قرآن سلجوقیان

در دوره ی سلجوقیان هنر تجلید همراه تذهیب رونق گرفت و از کاغذ و مقوا در جلد سازی استفاده شد. در دوره ی سلجوقی خط کتابت قرآن هنوز خط کوفی بود اما در عهد سلجوقی خط کوفی ایرانی رشد کرد و به شیوایی خاصی رسید تزئین این خط بر روی کاغذ به مراتب آسان تر بود.

در دوره ی سلجوقیان در فن کتاب سازی و کتاب آرایبی دگرگونی هایی پدید آمد از ویژگی های فن کتاب آرایبی و کتاب سازی این عهد می توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱- استفاده از کاغذ به جای پوست است هر چند استفاده از پوست به طور کامل منسوخ نمی گردد.

۲- به کار گرفتن خط نسخ در قرآن های این دوره است که از صدر اسلام وجو داشت.

۳- شکل هایی که در تذهیب استفاده می شد بیشتر شامل نقش های گیاهی و به خصوص نقوش معروف به اسلیمی است.

۴- متناسب با تغییر در قطع کتب آرایه ها و تزیینات نسخ نیز تغییر کرد

۵- علایمی که در حاشیه برای مشخص کردن هر پنج و ده آیه و سایر تقسیمات و اطلاعات به کار می رفت تزیینات ویژه ای داشت.

۶- کاربرد وسیع طراحی خطوط کوفی متنوع و ترکیب خط کوفی با نقوش اسلیمی و طراحی خطوط متنوع کوفی براساس نقش مایه های اسلیمی

۷- ترکیب خط -نقوش انسانی- حیوانی- اسلیمی و هندسی با یکدیگر در تزیین آثار و اشیای کاربردی

هنر خطاطی ایلخانیان

خوشنویسی و تذهیب عهد مغول با حمله مغول ها وقفه ای در رشد خوشنویسی و تذهیب ایجاد می شود اما پس از این که حکام مغول (ایلخانیان) اسلام می آورند خوشنویسی و تذهیب از نوع جان می گیرد. در این عهد نوعی خط در ایران رایج می شود که به خط تعلیق معروف است. خصوصیت این خط در این است که حروفش از سمت راست به چپ و از پایین به بالا تمایل دارند.

تذهیب نیز چون گذشته شامل آرایش میان سطرها می شود و در نسخه هایی نیز طلاندازی (طلاندازی یعنی دور کلمات و یا جملات را با خطوطی که مناسب با حرکت خط بوده حاشیه بندی می کردند. سپس فاصله ی میان سطرها را با رنگ طلایی پر می کردند). بر زمینه کاغذ دیده شده است. از خطاطان مشهور این عهد باید از عبدالله محمد همدانی و عبدالصیرفی نام برد که خوشنویسی یکی از نسخه های مقامات حریری منسوب به اوست.

هنر خط و خوشنویسی تیموریان

در دوره تیموریان است که بسیاری از هنرمندان به هرات برده شده و نگارگران و خوشنویسانی از نقاط مختلف از جمله تبریز توسط تیمور به هرات کوچانده می شوند. سبک خوشنویسی تیموری سعی داشت با ترکیب متنی روشن و تذهیب لطیفی که مبتنی بر نقوش بسیار پر طراوت و درهم به الوان دلنواز بود. بی تردید قرن ۹ هجری بیانگر جنبش هنر و فرهنگ بود و فرزندان تیمور پایه گذار جنبشی شدند که در دوره های بعدی نیز تداوم یافت. در این ادوار تذهیب -خوشنویسی و نقاشی در کنار هم و معمولا در یک هنرمند واحد جمع بودند.

بایسنقر در عین این که شاعری تواناست در خوشنویسی نیز به درجه استادی می نویسد. درگاه او محل گردهمایی ادیبان و شاعران و هنرمندان شده و در دوره ی او بزرگترین قرآن موجود را به خط محقق نوشت. از کتیبه های خطی او کتیبه ی پیش طاق مسجد گوهر شاد به خط ثلث است وی در خطوط سته شاگرد شمس الدین محمد بن حسام هروی معروف به شمس بایسنقر و در خط ثلث و محقق استاد بوده است. یکی از نامی ترین خوشنویسان این زمان ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ است. یکی از برجسته ترین خوشنویسان اواخر سده ی ۸ هجری میر علی تبریزی معروف به قبله الکتاب بود و اختراع خط نستعلیق که از تلفیق نسخ و تعلیق به وجود آمد به او منسوب است. شاهکار خوشنویسی وی همایون خواجوی کرمانی است که از جنید هم نقاشی های آن را به تصویر کشیده است. مولانا جعفر تبریزی معروف به جعفر بایسنقری سرپرستی کارگاه کتاب سازی بایسنقر میرزا را بر عهده داشت اگر چه در خط نستعلیق شهره بود اما استادی او بیشتر در خطوط ثلث - نسخ - و رقاع و ریحان و تویق بوده است. از ویژگی های خط او نظم فوق العاده ی در آهنگ و فضا بندی آن است که می تواند ناشی از مهارت او در اقلام سته باشد.

سلطان علی مشهدی مشهورترین خوشنویس اواخر قرن ۹ و اوایل قرن ۱۰ هجری در دربار سلطان حسین میرزا بایقرا و همنشین وزیر دانشمند او امیر علی شیر نوایی بود. سلطان محمد خندان از خوشنویسان و موسیقی دانان اواخر قرن ۹ و اوایل قرن ۱۰ هجری و از شاگردان سلطان علی مشهدی مدتی نیز در خدمت امیر علی شیر نوایی بوده است. وی نستعلیق را به استواری می نوشته است.

با نظری گذرا به منابع دوره ی تیموری در دوره ی پیشین یعنی دوره ی شاهرخ تا فرزندش بایسنقر پی می بریم خطاطی و خوشنویسی بر نقاشی پیشی داشته و این حاکی از شان و منزلت خطاطی در این دوره است که تحولات زیادی را تا اوج کمال خود طی کرده.

هنر تجلید کتب در عهد تیموری

با ورود فرهنگ و هنر چینی به وسیله ی مغول ها پشت جلد های عهد تیموری نیز تغییر می یابد. جلد های به دست آمده از این عهد از دقت و ظرافت قابل توجهی برخوردارند. شیوه ی کار همان شیوه ی قدیمی بوده است اما نقش ها تحت تاثیر عناصر تصویری هنر چینی است. در آستر جلد ها هم از همان شیوه ی چرم های بریده بر زمینه هایی روشن استفاده می شد با این تفاوت که این بار در کنار چرم برش خورده کاغذ رنگ شده و تذهیب در پوشش های داخلی جلد های نفیسی ایجاد کردند. تفاوت این پشت جلد با آثار پیشین در استفاده از نقش های طبیعی و گیاهان مرکب از یک شمسه بیضی شکل مرکزی با آویزه ها و تکه های گوشه ای بود.

در دوره ی صفوی شیوه ی جلدسازی دوره ی تیموری ادامه یافت و برای نقش در تذهیب از روش ضربی (فشاری) و برای آستر جلدو چرم جلد از کاغذ روغنی استفاده می شد. در این دوره طلاکاری بیش از دوره ی تیموری به کار می رفت. در دوره ی صفوی از فشار دست برای تجلید و پرس استفاده نمی شد بلکه از قالب های مسی و فولادی استفاده می شد. در زمان شاه طهماسب جلد لاکی معمول شد.

کتاب های مصور چاپ سنگی قاجار

کتاب های چاپ سنگی از نیمه ی دوم سده ی ۱۳ هجری در ایران رخ نمودند. تصویرگری کتاب به شیوه ی چاپ سنگی خود زمینه ی تازه اگر چه کم ارزش تری برای هنر نمایی نقاشی قاجار و البته این بار روی لوح سنگی چاپ به وجود آورد و در واقع ادامه ی همان روند نقاشی قاجار اما به صورت سیاه و سفید بود. یکی از پرکارترین آنها علی قلی خویی بود از دیگر تصویرگران زبردست کتاب های چاپ سنگی دوره ی ناصری میرزا مصطفی بود.

با رواج چاپ سنگی سطح کیفی صفحه آرایی در قیاس با کتاب های خطی گذشته پایین آمد. برای تصویر سازی کتاب های چاپ سنگی ارزان قیمت معمولاً از تصویرگران غیر حرفه ای و ناآزموده یاری می گرفتند. از این رو کیفیت این آثار در سنجش با تصویر کتاب هایی که تصویرگران حرفه ای در کارگاه های درباری و دولتی پدید می آورند.

شکل گیری سبک آثار تصویرهای چاپ سنگی دوره ی قاجار را به لحاظ منابع الهام می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد.

۱- تصویرهای متأثر از نقاشی های نیمه ی اول سده ی ۱۳ هجری

۲- تصویرهای متأثر از نقاشی های نیمه ی دوم سده ی ۱۳ هجری و همچنین عکاسی نوپای ایران.

تحول سریع نقاشی از دوره ی اول قاجار به دوره ی دوم آن که رسیدن به طبیعت گرایی نتیجه ی آن بود در تصویرگری کتاب به شیوه ی چاپ سنگی کندتر انجام گرفت. تصاویر چاپ سنگی گروه دوم که تحت تاثیر نقاشی طبیعت گرای دوره ی دوم قاجار بود هم زمان با ایجاد روزنامه های دولتی و چاپ سفرنامه های ناصرالدین شاه بسیار مورد توجه قرار گرفت و دلیل آن نیاز به تصاویری مستند در هر دو

مورد بود. تصاویر چاپ سنگی گروه دوم که برگرفته از نقاشی های دوره ی دوم سده ی ۱۳ هجری و همچنین عکاسی بودند به سه دسته تقسیم می شوند.

۱- صورت سازی ها

۲- منظره سازی ها

۳- رویدادننگاری ها

شاه و شاهزادگان و رجال و اشراف و سفرا و درباریان شخصیت های اصلی پرتره های این دوره بودند. با بررسی تصاویر چاپ سنگی هر دو گروه به طور کلی می توان از نظر کیفی نیز این تصاویر را به سه دسته تقسیم نمود.

۱- تصاویر ممتاز و طراز اول که به دست نقاشان و تصویر گرانی زبده و چیره دست به نقش در آمده اند.

۲- تصاویر متوسطی که تصویرگران آن ها نیز در مهارت و توانایی میانه حال بودند.

۳- در نهایت تصاویر ضعیفی که مصوران آن ها مهارت کافی در ترسیم نداشتند.

در ایران برای صفحه آرای کتاب های چاپی تلاش شد که از همان شیوه های مرسوم در کتاب های خطی استفاده شود و تمام صنایع و فنون تزیین کتاب های خطی در کار چاپ سنگی به نمایش درآیند. تنها با این تفاوت که آرایش کتاب های خطی مستقیماً به وسیله ی هنرمندان پرداخته و رنگ آمیزی می شد ولی در چاپ سنگی به علت فن ویژه و امکانات محدود آن هنرمند ارتباط مستقیم با کاغذ نداشته این کار طی مراحل و صرفاً با رنگ سیاه به چاپ می رسید.

ویژگی های تصویرسازی و صفحه آرای در روزنامه ها و کتاب های چاپ سنگی:

۱- در مصور سازی کتب خطی ظرایفی وجود داشت که در کتاب های مصور چاپ سنگی به اجبار از این ظرایف کاسته می شد.

۲- در تصویر سازی نسخ خطی همه ی عناصر دیداری همچون خط - رنگ - نقطه و سطح به کار گرفته می شدند اما در کتاب های چاپ سنگی به سبب محدودیت تکنیکی عنصر فراگیر در تصاویر خط و گاه نقطه بود و با خط و سطح و شکل - فضای تصاویر چاپ سنگی ساخته می شد.

۳- در این آثار برای نشان دادن سایه روشن و ایجاد سه بعدنمایی در عناصر تصویر از تکرار خطوط در کنار هم استفاده می شد.

۴- ویژگی آشکار تصاویر چاپ سنگی سیاه و سفید بودن آن ها است که گاه این تصاویر پس از چاپ شدن به وسیله ی دست رنگ آمیزی می شدند.

۵- نحوه ی قرار گیری تصویر در کتاب های چاپ سنگی نیز بدین صورت بود که یا در داخل متن همراه با نوشته های کتاب بود و یا تمام یک صفحه به یک یا چند تصویر اختصاص می یافت.

۶- در برخی کتاب های چاپ سنگی نام شخصیت های موجود در تصویر کنارشان آمده است.

۷- در تصاویر کتب چاپ سنگی و مجلس سازی های آن با توجه به حذف اجباری رنگ بر سادگی طرح تاکید شده و در عوض بر قدرت طراحی و بیان تصویری آن افزوده شده است.

۸- در بیشتر تصاویر های کتب چاپ سنگی تاثیر سطح نمایی نگارگری سنتی ایران به وضوح مشاهده می شود. البته ژرفنمایی و حجم نمایی که از ویژگی های تاثیرگذار نقاشی غربی بر نقاشی های دوره ی قاجار است گاه در برخی تصاویر چاپ سنگی هم به چشم می خورد.

نخستین کتاب چاپ سنگی مصور در ایران لیلی مجنون اثر مکتبی شیرازی شاعر معروف شیراز بود که در سال ۱۲۵۹ هجری در چاپخانه ی تبریز منتشر شد. این کتاب چهار تصویر دارد که مطابق معمول آن زمان پس از چاپ با دست رنگ شده اند.